

	امتداد همراه

شهید پیچک

■ دانشگاه ها که تعطیل شد غلامعلی دیگر در تهران بند نبود کاهی در سیستان و بلوچستان و در سنگر معلمی، گاهی در گنبد و پناه و سندانج و در سنگر رزم و گاهی نیز در جهاد سازندگی . شهید بود رفیق و همراه با وفای دکتر چمران ، دبیرکل رزمنده ساه نبود شده بود یک فرمانده درحالی که فقط ۲۱ سال داشت .

یک فرمانده چشم بند شوخ طبع شجاع که بارها و بارها مجروح شد و هر بار تا پای شهادت رفت ، ولی انگار قسمت بود آن روز که هنوز بیش از دو ماه از دامادی اش نمی گذشت، در عملیات مطلع الفجر (آذر ۶۸) در گیلان غرب ، پرنده روحش قفس تن را بشکند و ره به آسمان بسپارد .

■ **خاک‌ریز**

... و سه روز از مناطق بازمدی می کردند و می رفتن ، یعنی تو نوبت های سه روزه بازمد می کردن ، ماصبح روز دوم به حمیدیه رسیدیم .

صبحونه خورده و نخورده سوار اتوبوس شدیم آخه به روز از دستمون رفته بود، گفتیم روز دوم رو از دست ندیم . به اوزان که رسیدیم اتوبوس خراب شد و تا ظهر معطل شدیم .

راوی هم که پاسدار میان سالی بود و از حمیدیه با ما آمده بود گفت که دیگه دیر شده و به بقیه نمی رسیم و بایست برگردیم حمیدیه توی راه برگشت بدجوری جالمون گرفته شده بود . وقتی رسیدیم هیچ کس توی پادگان نبود ماها بودیم و یک پادگان خالی ...

■ **ایستگاه بهشت**

بیت التوا:

در مرحله اول این عملیات ، خلبان دلاور یگان هواپیمایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) ، علی اکبر شیروی دی به شهادت رسید و در مرحله دوم ، چند روز قبل از عملیات امیر سرلشکر علی داد همتی به دست منافقین در اتومبیل تئور شد و به شهادت رسید .

■ **علمدار**

تکلیف بعدی این است که کتاب خوانی به عنوان یک سنت رایج در آید ؛ به طوری که همه قشرها در کشور کتاب خوان شوند...

بعضی از ناشران به من می گفتند : ما تشکر می کنیم از این که می بینیم فرهنگ کتاب خوانی توسعه پیدا کرده است ، مردم به کتاب تمایل بیشتری نشان می دهند... البته اگر ما به حدی برسیم که مورد نظر من در این صحبت است ، باید تعداد کتاب هایی که هر بار چاپ می شود ، از ده هزار و پنج هزار و ده هزار به دویست هزار و سیصد هزار برسد ؛ یعنی با چنین کیفیت بالایی باید کتاب در جامعه پخش شود .

امروز از شصت میلیون جمعیت کشور ما ، تعداد کثیری اصل سواد و کتاب اند و بیشتر هم خواهند شد ؛ چون همین رویه تریا است . اگر همه کتاب بخوان شوند ، باید کتاب زیادی داشته باشیم تا در دسترس آنها بگذاریم .

	شهید:عیسی ذاکری
	تولد: روستای میرآباد میناب ۱۳۴۵
	شهادت: فاو ۶۸/۱۰۳

هر چند که آیین فلک ، تاراج است بازار خداست ؛ جنس جان حراج است آن یار که بال ذکر یا هو دارد عیسی صفت ازسلاحه معراج است

به روایت: پدر و برادر شهید

پیرزن از همسایگی گذشته ، نسبت فامیلی با ما داشت . همه مان احترام خاصی برایش قابل بودیم . البته او هم به خانواده ما محبت زیادی داشت . از این همسایه هایی بود که اگر مادی پیازی، چیزی، توی آشپزخانه کم می آورد . ازش می گرفت و بعد پس می داد . او هم همین طور بود . خانه یکی بودیم، کمتر از خاله بهش نمی برمی گشت ، از درد دلش برایمان می گفت و اینکه لحظه ای یاد پسر شهیدش از ذهنش نمی رود و دمدمای غروب ، کارش نگاه کردن به آسمان زرد و آهسته گریه کردن است .

به حال عجیبی بود توی بیداری اصلا نمی شد این چیزها را دید رفتن خانه شان .

دورو بر خانه شان مه سنگینی بود که رنگهای مختلف به خود می گرفت، مثل عصرا که دم در با مادر خداحافظی می کرد، غم توی چهره اش نبود . صورتش باز شده بود .

بهم گفت : مبارک باشه... بالاخره شما هم اومدین جزو خانواده های ما ... ترس وجود ما گرفته بود و صدای آذان صبح نگذاشت بپرسم چه خانواده ای و منظورت چیست ؟چند تا صلوات پشت سر هم فرستادم و ابی زدم به صورتم .. نماز خواندم ولی دقایقی بعد که داشتم می رفتم سرکار، می گفتم خواب ، انعکاس چیزهایی است که آدم در بیداری می بیند ؛ لابد چون ما به خاله علاقه ی زیادی داریم آمده تو خوابم و حالا یک چیزی گفته زیاد مهم نیست اصلا توجهی به حرفش نکردم .هنوز توی محل کارم جا گیر نشده بودم که دو تا از بچه ها که مسئول تعاون شهدا در سپاه بودند ، آمدند پیشم .

حالا کاری ندارم که یکی نگاه دیگری می کرد و دیگری نگاه آن یکی و من و من می کردند ،وبالاخره یکی شان گفت که حقیقتش برادرانم مجروح شده کلمه مجروح ناخوداگاه ذهنم را پرت کرد به همان مه سنگین رنگارنگ دور و بر خانه خاله و حرفی که خاله بهم زد و کلمات ، بی آنکه بفهمم ذهنم را ترجمه می کرد .

– ولی نه ...آخر من دیشب خواب دیدم ... خاله گفت که ما هم خانواده شهید ...

نمی توانستم به خودم بقبولانم که اتفاقی افتاده، دوست داشتم ظفره روم . موضوع بحث را عوض کنم ، اما نمی شد . یکی شان سرش را انداخت پایین .

– حالا چه می شه کرد دیگه ... باز شما صبرتون از خانواده بیشتره ... ماندیم به آنها جلوری خبریدیم .

شاید اگر این احساس که من باید کم کم و خیلی با ظرفیت به خانواده اطلاع بدهم دردم نبود، همان جا زانو می زدم و سیر گریه می کردم . ولی همین قرصم کرد . سعی کردم خودم را محکم بگیرم و جریان را یواش یواش به خانواده بگیرم .



اشکهای نگه داشته ی روز

- کلمه مجروح ناخودگاه ذهنم را پرت کرد به همان مه سنگین رنگارنگ دور و بر خانه خاله و حرفی که خاله بهم زد و کلمات ، بی آنکه بفهمم ذهنم را ترجمه می کرد .**

اول بهشان بگیرم که اصلا رفته جبهه ، بعد بگیرم

مجروح شده بعش هم که ...پدر و مادر، نه اینکه نمی دانستند جبهه نمی رود ، می دانستند ، ولی این بار آخری پدر هم همراهش رفته بود هویزه . دو سه ماه هم آنجا با هم بودند ... بله آقا ! با هم توی هویزه بودیم . آنجا خیلی چیزها از او دیدم .من آنجا پاکت نامه تقسیم می کردم بین رزمندگانی که می رفتند خط مقدم، عیسی و دوستش هم آمدن ازم پاکت بگیرند . گفتیم توتازه از راه رسیده ای هممانی ! عیسی می گفت پدری گل کند ، به آنها نفیسه سه پاکت دادم عیسی پاکت ها را که شمرم یکیش را گرفت طرفم و گفت : فرق ما با بقیه بچه ها چه ! اگر گهرمه باید دو تا بیااد برای ما هم همون دوتا کافی... قریون محبت بابا ! ... ولی لطف کن همه رو با یک چشم نگاه کن

توی همان هویزه ، از بس پشه زیاد بود مجبور می شدم شبها پشه بند ببندیم حالا با هر چیز که می آمد دم دستان من و عیسی باهم توی یک

آهنگ پیوسته تراژدی "مصرف"

کمر بند های صرفه جویی را محکم ببندیم

✎ زهرا ییگلری



ساختن فرهنگ صرفه جویی بر این باور است که راهکار آموزش مصرف درست و بهینه آب می باید با اختصاص هزینه های قابل توجه در بخش آموزش و پرورش و در تمام جوانب رایج شود درواقع بایستی برای آنچه که مصرف می کنیم ، الگوی مصرف مشخصی داشته باشیم .

وی می گوید : اگرما قدر و ارزش این ماده حیاتی را می دانستیم بی رحمانه آن را برای شستشوی ماشین و حیاط هدر نمی دادیم و به خود اجازه نمی دادیم تا براحتی حق دیگران را برای استفاده از همین آب تضییع نماییم !

الگوی مصرف: فرهنگ سازی

پایدار یک شرکت نیمه خصوصی با اشاره به کم آبی و خشکسالی در کشور و استان هرمزگان می گوید : نکته ای که اهمیت بالایی در بخش مدیریت منابع آب و روش مصرف آن دارد ، توجه به موضوع خشکسالی است ؛ بحرانی که چند سالی است کشور ما با آن دست و پنجه نرم می کند و درسیرایی از مناطق کشور بویزه هرمزگان وجود دارد .

برنامه ریزی برای خشکسالی و مدیریت پیشگیری از وقایع ناشی از آن بخشی مشخص است ، گر چه هیچ تخصص فنی برای تعیین زمان بروز سیل و زلزله لازم نیست ولی تجربه شده است که با اطمینانی قابل توجهی نسبت به زمان شروع و خاتمه خشکسالی وجود دارد ، زیرا خشکسالی از حوادث غیر قابل پیش بینی است ، اما به محض ورود به چنین عرصه ای می توان با یک برنامه صحیح و ارائه

	با ساکنان بهشتی

شهید علی زارع مهرانی

	تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۶/۶
	تاریخ شهادت: ۶۵/۹/۱۷
	یگان اعزام کننده : پشتیبانی جهاد سازندگی
	کارمند : جهاد سازندگی محل دفن: روستای ده ماتون



فرازهایی از وصیت نامه :
در این برهه از زمان که اسلام عزیز در خطر قرار گرفته و من طبق وظیفه شرعی خودم به جبهه آمده ام وصیت نامه ام را به شرح ذیل شروع می کنم ، از پدر بزرگوارم التماس دارم که اگر شهادت نصیبم شد مرا حلال بفرمایند و تقصیرات مرا عفو و در باره ام از خداوند رحیم درخواست بخشایش کنند .

از مادر مهربانم تقاضا دارم که حق مادری خود را به من حلال کرده و رنجهای که با من از او ان رحم تا ولادت تا همه مراحل زندگی با همه صعوبت ها متحمل شده اند بر من ببخشند و صبرو تحمل و شکبایی همه مادران شهیدان را پیشه کنند .

■ **لباقت شهادت**

علی در جبهه با لودر سنگر می ساخت و عاشقانه خدمت می کرد . مدت دوسال درجبهه بود گشاده رویی و مناعت طبع او باعث شده بود تا در نزد بچه ها ی جبهه از ارزش و احترام خاصی برخوردار باشد .

از غیبت و بدگویی بیزار بود و اجازه نمی داد کسی درجعم پشت سر دیگری حرف بزند . در انجام کارهای خیر همیشه پیش قدم بود و اگر من از بی نظارتی گلایه می کردم می گفت : اگر حقی باشد خداوند شاهد آن است پس تنها برای خدا کار کن و بدان او تنها ناظری است که عادلانه قضاوت می کند .

به شهادت در راه خداوند عشق می ورزید و مرگ را شیرین و راهی برای رسیدن به عروج می دانست .

■ **دعا کنید شهید بشوم...**

روز قبل از رفتن به جبهه تمام اتاق ها را تمیز کرد و از مادرم خواست تا لباسهای نشسته را به او بدهد تا آنها را بشوید .

به مادر گفته بود : اگر شهید شوم ناراحت نشوید و بدانید که بهر حال قسمت این است و باید راضی بود به رضای خدا که هیچ فعلی از جانب او بی حکمت نیست . فقط از خدا بخواهید که مرا طبلبد و دعا کنید شهید شوم اسارت سخت است ، دعا کنید لباقت شهادت تصمصب شود هیچ اختفاری با ارزش از آن مرگ در راه حق و رشادت و جافشانی برای اسلام نیست .

■ **آزاد و آراسته**

جوانی نجیب و سر به زیر بود . همه او را دوست می داشتند. در این میان بیش از همه به مادرم عشق می ورزید و رضایت او برایش اهمیت داشت هرگز کسی را از خود نرنجانید و با اخلاص تمام به مردم خدمت کرد او می دانست راهی که می رود، راهی بس نورانی ومطهر است و برای همین خود را آراسته ساخت و آزادانه به سوی حق شتافت .

منبع : رد پای عشق

این مهم تنها در سایه یک عزم عمومی برای تغییر فرهنگ مصرف آب و استفاده از تمام توان فکری و فنی جهت تغییر الگوهای مصرف آب در بخش های مختلف شهری،کشاورزی و صنعت امکانپذیر خواهد شد ... این مطلب بخشی از دیدگاههای مدیر عامل آبفای هرمزگان در جایگاه یک کارشناس مسائل آب است .

مهندس خادمی همچنین معتقد است : در بحبویه خشکسالی و کم آبی ناشی از آن "مصرف بهینه آب" راهکار موثر در راستای مدیریت کم آبی است و با ادامه روند خشکسالی بایستی خود را آماده شرایط سخت تری سازیم .

وی می گوید: فرهنگ صرفه جویی بایستی به عنوان یک باور اجتماعی در میان آحاد مردم تعقیق و اثرات آن در کوتاه مدت نمایان گردد .

مهندس خادمی با اشاره به رشد روز افزون جمعیت در نتیجه کاهش میزان سرانه آب آشامیدنی ، راه حل های تحت بررسی را تولید بیشتر آب ، بهبود توزیع و جلوگیری از هدر رفت آب عنوان می کند .

وی همچنین در خصوص اینکه به چه نحو می توان مصرف آب را کاهش داد؟ معتقد است در راستای تحقق فرهنگ صرفه جویی با عنوان راهکار موثر کاهش موثر ، نیازمند تدوین یک برنامه عملیاتی و هدفمند درجهت ارائه راهکارهای موثر در ارتقاء سطح فرهنگ صرفه جویی در مصرف می باشیم که عملی شدن این برنامه مستلزم همکاری و همیاری شهروندان در سراسر استان است.

خادمی در پروسه صرفه جویی ، دیدگاهش را معطوف به رسالت دستگاههای مسئول و متولیان ساماندنی تولید و مصرف آب در کشور یعنی گسترش فرهنگ مصرف صحیح آب و ایجاد توازن میان میزان منابع و مصرف می کند تا با استمرار سیاستهای فرهنگ سازی خود درعرصه های اجتماعی ضمن برانگیخته ساختن عزم عمومی در مشارکت و همیاری در این پروژه ملی ، تاکید خود را در استفاده از آموزش های عمومی و اطلاع رسانی در این حوزه دو چندان سازند تا در آینده ای نهچندان دور شاهد فائق آمدن بر بحران کم آبی باشیم .

با آمید به اینکه با مصرف درست و صحیح قطره قطره آب قدر و ارزش حقیقی این گنج گرانبهای کره زمین را بیشتر بدانیم

سایه اهرمین پی آبی در کمین است

زور نیست ، در همین نزدیکی است ...

قصه ی کهنه بی برگی،

فلسه بارش باران و

تشتی کودکی از جنس کویر...!!

شرکت خدمات مالی و حسابرسی عصر دانش بندر (سهامی خاص) ثبت ۶۲۵۲تاسیس ۱۳۸۲

تلفن تماس :

۰۹۱۷۳۶۸۴۴۱۶محمد حسینی

E-mail:

AsrdaneshA@ yahoo.com

تأمین کادر مالی

تهیه صورتهای مالی

اعتبارات و خزانه داری

حسابداری

حسابرسی

تهیه اظهار نامه مالیاتی

مشاوره مالیاتی و بیمه ای

صلاح حسابها و رسیدگی اسناد



عصر دانش بندر

موسسه حسابداری و حسابرسی امید گامبرون جنوب ثبت (۴۷۶)

***حسابداری حسابرسی * تهیه اظهار نامه مالیاتی و بیمه ای * تهیه صورتهای مالی فارسی و انگلیسی**

*** طراحی سیستم کنترل داخلی * تنظیم گزارشهای مالی جهت بانکها و سایر موسسات مالی و اعتباری –**

***تأمین و آموزش کادر موسسات و شرکتها * تهیه صورتهای مالی از مدارک ناقص اصلاح حسابها و...**

تلفن تماس :

۰۹۱۷۱۶۱۳۵۲۱ خاکنسارنژاد ۰۹۱۷۳۶۸۶۶۶

E-mail:

omid gameroon jonoo@ gmail.com